

## تحلیل محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر اساس خلاقیت و شادکامی

لیلا شکوهی امیرآبادی<sup>۱</sup>

علی دلاور<sup>۲\*</sup>

لطف اله عباسی سروک<sup>۳</sup>

شیرین کوشکی<sup>۴</sup>

### چکیده

زمینه: توجه به شادکامی و خلاقیت و بررسی تأثیر آن بر جنبه‌های گوناگون زندگی افراد یکی از اهداف و وظایف دولتی است؛ که یکی ابزارهای تحقق این مهم، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است.

هدف: این پژوهش به منظور تعیین میزان اهمیت به شادکامی و خلاقیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انجام شد.

روش: پژوهش به روش توصیفی از نوع تحلیل محتوا (کمی و کیفی) انجام شد. جامعه آماری، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) است، که در هشت فصل در ۶۳ صفحه در سال ۱۳۹۷ بررسی شد و کل جامعه به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. ابزار پژوهش در روش تحلیل محتوا به کمک نرم افزار و سیاهه واریسی محقق ساخته است. شادکامی در این مقاله بر اساس نظریه جدید بهزیستی (پرما) و مفاهیم شادکامی و خوشکوفایی که توسط سلیگمن (۲۰۱۱) مطرح شده است؛ مورد بررسی قرار گرفت (۱۳ مؤلفه اصلی و ۱۹ مؤلفه فرعی)، مراحل خلاقیت نیز، بر اساس تقسیم بندی والاس (۱۹۲۶) در چهار مرحله: ۱- آمادگی، ۲- نهفتگی، ۳- الهام و ۴- تحقق؛ مورد بررسی قرار گرفت. روابی پژوهش توسط پنج تن از متخصصان مرتبط مورد تأیید قرار گرفت. به منظور تعیین

۱. گروه روان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، leila.shokouhi@yahoo.com

۲. استاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) delavarali@yahoo.com

۳. استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، lotfollah.abbasi@yahoo.com

۴. دانشیار گروه روانشناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، shirin\_kooshki@yahoo.com

پایایی پژوهش، فصل سه سند توسط یک متخصص روانشناسی مجدداً کدگذاری شد و ضریب پایایی اسکات در بعد متن برابر با ۰/۸۳ بدست آمد، که مورد تأیید است.

یافته‌ها: جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش‌های توصیفی و تحلیلی استفاده شد، جهت سازمان‌دهی و کمک به تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA استفاده شد و پس از تعیین فراوانی شاخص‌ها، روش "آنتروپی شانون" مورد استفاده قرار گرفت. در مورد خلاقیت، بیشترین مقدار با اطلاعاتی مربوط به مرحله تحقق (۰/۲۵۹) و بیشترین مقدار ضریب اهمیت مربوط به مرحله الهام (۰/۲۷۲) است. در خصوص مؤلفه‌های شادکامی، میزان بار اطلاعاتی مؤلفه بهبودپذیری فردی (۰/۱۹۲)، خوش‌بینی علمی (۰/۱۶۶) و روابط مثبت در بخش سازمانی (ملی) (۰/۱۲۸)، به ترتیب بیشترین مقدار و کمترین مقدار نیز مربوط به مؤلفه‌های معنا و هدف در بعد فردی (۰/۰۱۷) و روابط مثبت (۰/۰۲۰) است.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت به مراحل خلاقیت در سند توجه چندانی نشده است، همچنین به مؤلفه‌های شادکامی نیز به میزان یکسانی توجه نشده است؛ لذا می‌بایست در بازنگری‌های بعدی سند به مؤلفه‌های دیگر شادکامی نیز پرداخته شود و برنامه‌ریزان آموزشی بر این اساس اقدام نمایند.

**کلید واژه‌ها:** خلاقیت، شادکامی، روان‌شناسی مثبت‌گرا، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

## پیشگفتار

برای سالیان طولانی روان‌شناسان بر جنبه‌های مرضی کارکردی و رفتاری بشر پرداخته و از ویژگی‌های مثبت تا حدودی غفلت ورزیده بودند؛ اما به تازگی جنبشی در این زمینه به وجود آمده که در آن بر مؤلفه‌های مثبت با هدف رشد و توسعه فردی، سازمانی و اجتماعی توجه نموده است (لوتانس و جنسن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). برخی از روان‌شناسان همانند الیس<sup>۲</sup>،

1. Luthans & Jensen  
2. Ellis

نگرش مثبتی به انسان دارند، با وجودی که او نظریه‌ای در زمینه روان‌شناسی مثبت‌گرا<sup>۱</sup> مطرح نکرده است، با این حال، او درکی از شادکامی<sup>۲</sup> را به بشر هدیه کرده است، بدین گونه که به بشر شیوه‌ی زندگی شادتر را نشان داده است. ظهور روان‌شناسی مثبت‌گرا را به سلیگمن<sup>۳</sup>، رئیس وقت انجمن روان‌شناسی آمریکا<sup>۴</sup> نسبت می‌دهند (قاسمی و قریشیان، ۱۳۸۸). روان‌شناسی مثبت‌گرا رشته‌ای نوین در روان‌شناسی است که به افزایش قابلیت‌های مثبت روان‌شناسی در جامعه و توانمند نمودن افراد در مقابل استرس‌ها و تنش‌های روانی که افراد با آن روبرو هستند، می‌پردازد. از آنجا که عواملی همچون امید، شادکامی و خوش‌بینی که از مؤلفه‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا هستند، می‌توانند بر بهبود حالت روحی فرد تأثیرگذار باشند، لذا روان‌شناسی مثبت‌گرا به جای تکیه بر جنبه‌های بالینی، بر ابعاد مثبت و راهکارهای افزایش آن تأکید می‌کند (کمپتون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵). یکی از مؤلفه‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا و شاید مهم‌ترین آن، شادی و شادکامی است. شادی، یکی از نیازهای انسان و لازمه‌ی زندگی است. واژه‌ی شادکامی، در برگیرنده‌ی چند مفهوم ذهنی مثل شادمانی، خشنودی، لذت و خوشایندی است اما به معنای خوش‌بینی بی‌پایه و خودفریبی، انکار واقعیت‌ها و ندیدن مشکلات خود و دیگران نیست. از این رو تعدادی از روان‌شناسان، مفهوم کلی‌تر «خوشبختی ذهنی» را که دربرگیرنده‌ی ارزشیابی‌هایی مثل خشنودی از زندگی، هیجان، خلق مثبت و فقدان افسردگی و اضطراب است به کار می‌برند (دینر و لوکاس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲). انسان‌ها از دیرباز به طرق مختلف، شادی و احساسات مثبت خود را بروز می‌دادند. ارسطو معتقد است اهمیت شادی تا به آن حد است که می‌تواند بیماری‌های غیر قابل علاج را درمان کند. کار<sup>۷</sup> (۲۰۰۴) معتقد است افراد شاد،

- 
1. Positive Psychology
  2. happiness
  3. Seligman
  4. American Psychology Association (APA)
  5. Compton
  6. Diener & Lucas
  7. Carr

معمولاً مهارت‌های خود را بهتر ارزیابی کرده و رویدادهای مثبت را بیشتر از رویدادهای منفی، یادآوری نموده و در برنامه‌های زندگی، تصمیم‌گیری بهتری دارند. در نتیجه داشتن حس شادکامی به عنوان یک پدیده‌ی هیجانی مثبت، امری ضروری برای انسان است که به زندگی او معنا می‌بخشد و راهبردی مؤثر و مقدماتی جهت حل مسائل پیش‌روست (سلیگمن، ۲۰۰۲). نگرانی، هیجان‌پذیری، ترس، تکانشی بودن و استرس باعث حالت منفی در فرد می‌شوند، پس شادی صرف نظر از چگونگی بدست آوردن آن می‌تواند سلامت جسمانی را بهبود بخشد (داماسیو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). هیجان‌ات مثبت، موجب گسترش دامنه‌ی توجه و در نتیجه افزایش آگاهی نسبت به شرایط جسمانی و محیطی می‌شود. افراد شاد به علت استفاده از راهبردهای کارآمدتر، تصمیم‌گیری‌های مؤثرتری نیز در زندگی دارند (آسپینوال و استودینگر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳)، بنابراین شادکامی موجب سلامت روانی، برطرف شدن بسیاری از اختلالات روانی-اجتماعی، تقویت انگیزش در زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی همچون کار و تحصیل می‌شود (لی و گراهام<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). شادکامی با برون‌گرایی پایدار در ارتباط است، به نظر می‌رسد عاطفه‌ی مثبت در شادکامی با جامعه‌پذیری، فعال بودن و برون‌گرایی با شور و شوق و تعامل با دیگران ارتباط داشته باشد (داماسیو، ۱۹۹۴). نظریه جدید بهزیستی<sup>۴</sup> (پرما<sup>۵</sup>) که توسط سلیگمن (۲۰۱۱) مطرح شده است، عواملی که منجر به یک زندگی رضایت‌بخش می‌شود را توصیف می‌کند، این پنج عنصر (هیجانهای مثبت، مجذوبیت، روابط، معنا و پیشرفت) به طور مستقل باعث افزایش بهزیستی می‌شود و قدرت هر یک از این عناصر می‌تواند به افراد کمک کند که زندگی شاد، رضایت‌بخش و با معنایی پیدا کنند. هر کدام از حروف تشکیل دهنده پرما حرف اول نام یکی از پنج مؤلفه تشکیل دهنده بهزیستی است. همچنین پرما به منظور توسعه برنامه‌هایی جهت

1. Damasio  
 2. Aspinwall & Staudinger  
 3. Lee & Graham  
 4. well-being  
 5. PERMA (Positive Emotion, Engagement, Relation Ships, Meaning, Achievement)

کمک به افراد برای ایجاد ابزارهای شناختی و هیجانی جدید استفاده شده است. این مدل می‌تواند به عنوان یک چارچوب برای رهبری سازمانی و تغییرات فرهنگی برای کمک به دانش آموزان، دانشجویان، معلمان، استادان و مسئولان و برنامه‌ریزان آموزشی و فرهنگی برای رسیدن به پتانسیل کامل افراد بکار رود. روان‌شناسی مثبت‌گرا در نظریه شادکامی اصیل، افزایش میزان شادکامی در زندگی خود و دیگران است. برعکس، هدف روان‌شناسی مثبت‌گرا در نظریه بهزیستی، کاملاً چندگانه، چند بعدی و به طور قابل توجهی متفاوت است؛ هدف آن افزایش میزان "شکوفایی" در زندگی خود و دیگران است. لیسیا هاپرت<sup>۱</sup> و تیماثی سو<sup>۲</sup> از دانشگاه کمبریج "شکوفایی" را در هر یک از بیست و سه کشور عضو اتحادیه اروپا تعریف کرده و آن را مورد سنجش قرار داده‌اند. تعریف آنها از شکوفایی در قلب نظریه بهزیستی جا گرفته است: یک فرد برای شکوفا شدن باید تمام "ویژگی‌های محوری"<sup>۳</sup> زیر و سه مورد از شش مورد "ویژگی ثانوی"<sup>۴</sup> زیر را دارا باشد.

ویژگی‌های محوری: هیجان مثبت، مشارکت، علاقه<sup>۵</sup>، معنا و هدف. ویژگی‌های ثانوی: عزت نفس، خوش بینی، بهبودپذیری<sup>۶</sup>، سرزندگی<sup>۷</sup>، خودتعیین‌گری<sup>۸</sup> و روابط مثبت. این دو دانشمند موارد فوق را در بیش از ۲۰۰۰ بزرگسال در هر یک از کشورهای اتحادیه اروپا مورد آزمون قرار داده‌اند تا دریابند هر کشور از نظر وضعیت شکوفایی شهروندان خود چه وضعیتی دارد. در این نظرسنجی، دانمارک در صدر کشورهای اروپایی قرار گرفته است؛ به این ترتیب که ۴۴ درصد از شهروندان آن احساس شکوفایی دارند. انگلستان با میزان ۱۸ درصد شکوفایی در جایگاه دوم و روسیه با میزان تنها ۶ درصد، در پایین‌ترین نقطه این جدول قرار دارد. همچنان که توانایی برای اندازه‌گیری هیجان مثبت، مشارکت، معنا، دستاورد و روابط مثبت افزایش می‌یابد، با قدرت بیشتر پرسیده می‌شود، چه تعداد از افراد یک کشور، شهر یا شرکت، شکوفایی را

1. Felicia Huppert
2. Timothy So
3. core features
4. additional features
5. interest
6. resilience
7. vitality
8. self-determination

تجربه می‌کنند. همچنین می‌توان با قدرت زیادی برسید که آیا مدارس، در شکوفایی دانش‌آموزان مؤثر و مفید هستند یا خیر.

سیاست‌گذاری‌های کلی تنها متأثر از آنچه اندازه‌گیری می‌کند و تا همین اواخر، تنها عواملی از قبیل پول و تولید ناخالص داخلی را اندازه‌گیری می‌شد. بنابراین موفقیت یک دولت می‌تواند تنها توسط اینکه چه میزان ثروت تولید شده است، به صورت کلی درآید؛ اما هدف ثروت نهایتاً چیست؟ هدف ثروت تولید ثروت بیشتر نیست، بلکه تولید و افزایش شکوفایی بیشتر برای افراد است. بنابراین هدف روان‌شناسی مثبت‌گرا در نظریه بهزیستی، اندازه‌گیری، ایجاد و پرورش شکوفایی انسان‌هاست. دستیابی به این هدف از پرسیدن این سؤال که چه چیزی ما را واقعاً شادتر می‌کند، آغاز خواهد شد (سلیگمن، ۲۰۱۱).

امروزه در کشورهای توسعه یافته، شکوفایی خلاقیت دانش‌آموزان از مهمترین اهداف آموزش و پرورش به شمار می‌رود. در این کشورها اهمیت پرورش خلاقیت به حدی است که مواد درسی ویژه‌ای در تمامی مقاطع تحصیلی در نظر گرفته شده است. این برنامه‌ریزی به علت نقش زیربنایی خلاقیت در توسعه و پیشرفت و غلبه بر تغییر و تحولات اجتناب‌ناپذیر زندگی است (فرج‌اللهی، موسوی، تاجی، ۱۳۸۹). خلاقیت، ابتکار و نوآوری، مرحله‌ای از رشد عقلی است که می‌تواند منجر به ساخت و ایجاد موقعیتی برای راحت‌تر زیستن شود. خلاقیت یک سازه یا یک پدیده واحد نیست، بلکه یک مفهوم در قالب برجسب علمی است که برای اقدامات یا اعمال گوناگون و متنوع انسان به کار می‌رود که می‌تواند منجر به نتایج جدید و با ارزشمند شود (گلاونو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). تاfler<sup>۲</sup> (۱۹۸۰) معتقد است که تمدن بشری تاکنون سه موج را شاهد بوده است؛ موج اول مربوط به دوران کشاورزی است که هزاران سال طول کشید. موج دوم با انقلاب صنعتی در قرن هفدهم به وجود آمد اما از نیمه‌ی دوم قرن بیستم ما وارد عصر فراصنعت شده‌ایم که موج سوم نامگذاری شده است، که از خلاقانه‌ترین نوسازی‌های تمام این دوران است. انسان‌ها، در موج اول تفکری محدود و کوتاه داشتند

1. Glăveanu  
2. Tafler

زیرا به زمین وابسته بودند اما در موج دوم با گسترش تحرک و ارتباطات، افق‌های ذهنی گسترش بیشتری یافتند. پیشرفت‌های فن آوری تمدنی دیگر را ایجاد نمود، که می‌توان به آن موج سوم نام برد. ماده‌ی خام تمدن موج سوم، اطلاعات و تخیل است و خلاقیت یکی از مشخصه‌ها و نتایج طبیعی موج سوم است. خلاقیت مهم‌ترین پیش برنده‌ی موج دوم به سوم است. کشورهای موج اول می‌توانند بدون آنکه از موج دوم عبور کنند و یا از مسایل فرهنگی خود به طور کامل چشم پوشی کنند، وارد موج شوند. اگر با کمک خلاقیت افراد آن جامعه موفق به ترکیب فناوری‌های پیشرفته با تمدن موج اول خود شوند، می‌توانند به توسعه‌ی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برسند؛ لذا خلاقیت به خصوص در این جوامع، شرط جدی بقا و ادامه حیات است (حسینی، ۱۳۸۷).

پس اگر ما بخواهیم کودکانی سرآمد و خلاق پرورش دهیم بایستی نظام آموزشی، عوامل تأثیرگذار در این زمینه را شناسایی و برای آموزش راهکارهایی که منتهی به افزایش و توسعه نگرش خلاقیت در آنان می‌شود، برنامه‌ریزی نماید (افشار کهن و عصاره، ۱۳۹۰). از آنجایی که نظام آموزش و پرورش به عنوان محوری‌ترین رکن در ساخت زیر بناهای علمی، آموزشی و پژوهشی جامعه نقش بسزایی ایفا می‌کند، از جمله عرصه‌هایی است که با پاسخ-گویی به موقع به نیازهای جامعه و غلبه بر ضعف‌ها و کاستی‌ها می‌تواند در غالب کارآمد ساختن نظام تعلیم و تربیت کشور، بر امید و اعتماد عمومی بیفزاید. اهمیت بحث قابلیت‌های نوآوری در آموزش و پرورش به گونه‌ای است که یکی از هدف‌های عملیاتی و راهکارهای آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، استقرار نظام خلاقیت و نوآوری در آموزش و پرورش در راستای تربیت جامع و بالندگی معنوی و اخلاقی و حمایت مادی و معنوی از مدیران، مربیان و دانش‌آموزان خلاق و نوآور و کارآفرین است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش). نکته مهم دیگر در مدیریت خلاقیت، توجه به فرایند شکل‌گیری راه‌حل‌های خلاق

مسائل و گام‌هایی که در این فرایند برداشته می‌شود؛ است. در این زمینه معروف‌ترین و قدیمی‌ترین نظریه، تقسیم‌بندی والاس (۱۹۲۶) است که هنوز هم قابل توجه است. والاس خلاقیت را در چهار مرحله نام برده است که عبارتند از: ۱- آمادگی، ۲- نهفتگی، ۳- الهام و ۴- تحقق. در مرحله اول، منظور از آمادگی خاص، بررسی، جست‌وجو، مطالعه و جمع‌آوری مدارک در خصوص موضوع مورد نظر است. یکی از روش‌های مفید در این زمینه مطالعه عقاید و نظریات دیگران است. از این طریق فرد می‌تواند بسیاری از واقعیت‌ها و مشکلات کار خود را بهتر درک کرده و سپس برای رشد افکار خویش نظریه‌های دیگر را رها کند. در مرحله نهفتگی، ظاهراً نوعی توقف در کار دیده می‌شود و فرد هیچ‌گونه تلاشی برای رسیدن به نتیجه انجام نمی‌دهد. در این مرحله ممکن است دانشمند یا هنرمند در خصوص مسئله فکر هم نکند. بعضی از روان‌شناسان معتقدند در این مرحله ذهن ناخود آگاه شروع به فعالیت می‌کند. مرحله الهام، جایگاه خاصی در فرایند خلاقیت دارد، چرا که تفکر در آن شکل گرفته و حل مسئله مشخص می‌شود. اغلب متفکران ظهور این مرحله را ناگهانی می‌دانند. فرد خلاق در طول کار طبیعتاً با موانعی برخورد می‌کند که کار را دچار وقفه و امکان هرگونه پیشرفت را از فرد سلب می‌کند؛ ولی ناگهان موضوع روشن می‌شود و فرد می‌تواند موانع را از سر راه بردارد. در مرحله تحقق، فرد خلاق آن چه را به دست آورده است (اعم از اختراع، اکتشاف یا نظریه تازه) ارزیابی می‌کند، شواهد آن را دوباره می‌سنجد و از لحاظ منطقی آزمایش می‌کند. به عبارت دیگر در این مرحله اهمیت ارزش کار به وسیله بازبینی مشخص می‌شود.

با توجه به آنچه در خصوص شادکامی و خلاقیت و تأثیر آن بر جنبه‌های گوناگون زندگی افراد بیان شد و نیز ضرورت این مفاهیم در زندگی امروزه و خصوصاً نقش مهم آن در دانش‌آموزان، لذا توجه به این امر خطیر از وظایف مهم هر دولتی به شمار می‌رود. بنابراین برای رسمیت بخشیدن به این برنامه‌ها و الزام اجرایی شدن آنها توسط مسئولان، این برنامه‌ها باید به "قوانین لازم‌الاجرا" تبدیل شوند. در این چهارچوب آموزش و پرورش به منزله مرکز ثقل برنامه‌های توسعه از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، به طوری که تمام برنامه‌های



توسعه باید نسبت خود را با این جریان معین کنند (آلبرتین، کاپ و گرنوالد<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). از طرفی صاحب نظران عقیده دارند، پنج منبع برای توسعه نیروی انسانی وجود دارد، آموزش و پرورش، تغذیه و سلامت، محیط زیست، اشتغال، آزادی سیاسی و اقتصادی که در این بین آموزش و پرورش به عنوان مهم ترین منبع رشد و توسعه نیروی انسانی در کلیه کشورها باید مورد توجه قرار گیرد، زیرا پایه و اساس تمام آن‌ها و عامل ضروری برای بهبود وضعیت آموزش بهداشت، ارتقای سلامت و حفاظت از محیط زیست، توسعه و بهسازی نیروی کار و حفظ مسئولیت سیاسی و اقتصادی به شمار می آید. لذا جای تردید نیست که تمامی کشورها باید در زمینه طراحی و توسعه برنامه‌های ملی خود بر سیاست‌های بهداشتی و ارتقای سلامت به منظور رشد و شکوفایی افراد و تغییر در رشد جامعه تأکید نمایند (دتلز، هولاند والتر، مکوکس و اومکس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). به این امر در اصول، ۲۹، ۴۳ و ۱۰۰ قانون اساسی کشور نیز توجه شده است و در این اصول به بهداشت و سلامت به عنوان حق هر فرد ایرانی تأکید شده است که دولت موظف به برنامه‌ریزی برای تأمین و توسعه آن است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸). مهمترین اسناد بالادستی در نظام آموزشی ایران شامل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برنامه درسی ملی و نقشه جامع علمی کشور است که جهت دهنده، چهارچوب و معیاری است برای ارزشیابی عملکرد این نظام در تمامی دوره‌های تحصیلی و از این جهت برای پیشبرد اهداف در هر حوزه‌ای که هدف آن سربلندی ملت ایران اسلامی است، نیاز به تهیه برنامه‌ای جامع و کامل است تا هر مسئولی با پذیرش مسئولیت با استناد به این برنامه‌ها اهداف مورد نظر را پیش ببرد.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۹ آغاز و در سال ۱۳۹۰ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب نهائی رسیده است. تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه‌جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. احراز

1. Albertyn, Kapp & Groenewald  
2. Detels, Holland Walter, Mcewex & Omex

عرصه تعلیم و تربیت از مهمترین زیرساخت‌های تعالی پیشرفت همه‌جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقاء سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف است. به این ترتیب تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم متقی و آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعدادهای بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید.

تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده است تا با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

دانش‌آموزان در شکل گرفتن نسل آینده و ارتقاء سلامت اجتماع بسیار مهم هستند اما با توجه به اینکه در مرحله نسبتاً سالمی از زندگی در نظر گرفته می‌شوند، در تلاش‌های ارتقای سلامت در سراسر جهان به عنوان یک اولویت در نظر گرفته نمی‌شوند (جان، اوزدیلی و ارول، آنسر، تالک، سوسر و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). این در حالی است که آنان به ندرت به مهارت‌های زندگی یا اجتماعی برای مدیریت سلامتی یا عواطف آنها فکر می‌کنند و ممکن است از اینکه مسئولیت خود مراقبتی را به آن‌ها می‌دهیم ناراحت شوند یا هنگامی که با مشکلات روبرو می‌شوند، افسرده شوند (لی و لوک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

1. Can, Ozdilli, Erol, Unsar, Tulek, Savaser, et al.  
2. Lee &Loke

با توجه به اینکه بخش بزرگی از جامعه را کودکان و دانش‌آموزان در کشور تشکیل می‌دهند و توجه به نیازهای مختلف آنها از اصول و وظایف دولتی است؛ که یکی ابزارهای تحقق این مهم، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است، بنابراین در راستا این پژوهش به منظور تعیین میزان اهمیت به شادکامی و خلاقیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انجام شده است و قصد دارد بررسی نماید که: در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تا چه اندازه به شادکامی و خلاقیت پرداخته شده است؟

## روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی از نوع تحلیل محتوا<sup>۱</sup> (کمی و کیفی) انجام شد. جامعه آماری، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) است، که در هشت فصل شامل: مقدمه، کلیات، بیانیه ارزش‌ها، بیانیه مأموریت، چشم انداز، هدف‌های کلان، راهبردهای کلان، هدف‌های عملیاتی و راه کارها و چابوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین در ۶۳ صفحه بررسی شد. با توجه به ماهیت پژوهش و محدودیت جامعه از نمونه‌گیری صرف نظر شده و کل جامعه به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. ابزار پژوهش در روش تحلیل محتوا، سیاهه واریسی محقق ساخته است. در این پژوهش نظریه جدید بهزیستی (پرما) که توسط سلیگمن (۲۰۱۱) مطرح شده است؛ مورد استفاده قرار گرفت. در این نظریه عواملی که منجر به یک زندگی شاد و رضایت‌بخش می‌شود را توصیف می‌کند، این عناصر شامل: هیجان‌های مثبت، مجذوبیت، روابط، معنا و پیشرفت است. در خصوص مراحل خلاقیت نیز، موارد بر اساس تقسیم‌بندی والاس (۱۹۲۶) در چهار مرحله: ۱- آمادگی، ۲- نهفتگی، ۳- الهام و ۴- تحقق؛ مورد بررسی قرار گرفت.

واحد تحلیل شامل کلمه، عبارت، جمله و واحد فحوا عبارت و پاراگراف است. با توجه به نوع تعریف و مفاهیم مندرج در سند تحول، بعضی از مقوله‌ها دارای مفاهیم مشترک بوده، لذا

1. Content Analysis

به برخی از مقوله‌ها کدهای مشترک داده شد و مواردی که دارای مفهوم کلی آن مقوله بودند و قابل نامگذاری به یک مقوله خاص نبودند، به نام کلی آن مقوله نیز کدگذاری شد. به منظور تعیین روایی ابزار مؤلفه‌های شادکامی (شامل ۱۳ مؤلفه اصلی و ۱۹ مؤلفه فرعی)، همچنین مراحل خلاقیت، از منابع مرتبط با موضوع تحقیق تهیه شد و مورد تایید ۵ تن از متخصصان دانشگاهی قرار گرفت که دو تن رشته مدیریت آموزشی (مدرک تحصیلی دکتری) و دو تن روانشناسی تربیتی (مدرک تحصیلی دکتری) و یک تن در رشته تحقیقات آموزشی (مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد) بودند. متخصصان درباره‌ی شایستگی قرار گرفتن مقوله‌ها، دستورالعمل کدگذاری، معیارهای تحلیل، تفسیر و هماهنگی آنها با هدف و سؤال پژوهش مورد داوری قرار دادند.

به منظور تعیین پایایی تحقیق نیز از ضریب پای اسکات استفاده شد. بدین صورت که فصل سه سند همراه با تعریف عملیاتی هر مقوله به یک متخصص روانشناسی که با مفاهیم روانشناسی و سند تحول آشنا بود، جهت کدگذاری مجدد داده شد، سپس جدول فراوانی هر مقوله با درصد مربوطه تعیین شد. در نتیجه ضریب پایایی اسکات در بعد متن برابر با  $0/83$  و مورد تأیید بود.

برای تحلیل داده‌ها نیز از روش‌های صورت توصیفی و تحلیلی استفاده شد. بدین صورت که شاخص‌های شادکامی و خلاقیت شمارش و به صورت فراوانی و درصد مشخص شد؛ سپس از روش آنتروپی شانون<sup>۱</sup>، که برگرفته از تئوری سیستم‌هاست، استفاده شد. آنتروپی در تئوری اطلاعات شاخصی است برای اندازه‌گیری عدم اطمینان که به وسیله یک توزیع احتمال بیان می‌شود. بر اساس این روش که به مدل جبرانی مشهور است، محتوای سند تحول با توجه به مفاهیم شادکامی و خلاقیت استخراج شد. در ابتدا پیام برحسب مفاهیم در قالب فراوانی شمارش و در جدول ماتریس داده‌ها قرار گرفته و سپس مراحل سه‌گانه روش شانون به ترتیب زیر انجام شد.

1. Shannon

مرحله ۱: فراوانی های جدول ماتریس داده ها از رابطه زیر بهنجار می شود.

$$P_{ij} = \frac{F_{ij}}{\sum_{i=1}^m F_{ij}} \quad (i = 1, 2, 3, \dots, m, j = 1, 2, \dots, n)$$

(هنجار شده ماتریس فراوانی  $P$  = فراوانی مقوله  $F$  = شماره پاسخگو  $i$  = شماره مقوله  $j$  = تعداد پاسخگو  $m$ )

مرحله ۲: بار اطلاعاتی هر مقوله از رابطه زیر محاسبه و در ستون های مربوطه قرار می گیرد.

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m [P_{ij} L_n P_{ij}] \quad (j = 1, 2, \dots, n) \quad k = \frac{1}{L_n m}$$

(هنجار شده ماتریس  $P = (1, 2, \dots, n)$  لگاریتم نبری  $L_n$  = شماره پاسخگو  $i$  = شماره مقوله  $j$  = تعداد پاسخگو  $m$ )

مرحله ۳: ضریب اهمیت هر یک از مقوله ها از رابطه زیر محاسبه و هر مقوله ای که دارای بار اطلاعاتی بیشتری باشد از درجه اهمیت بیشتری برخوردار است.

$$W_j = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^n E_j}$$

(درجه اهمیت  $W_j$  = بار اطلاعاتی هر مقوله  $E_j$  = تعداد مقوله ها  $n$  = شماره مقوله  $j$ )

لازم به ذکر است در محاسبه ی  $E_j$  مقادیر  $P_{ij}$  که برابر صفر باشد به دلیل بروز خطا و جواب بی نهایت در محاسبات ریاضی با عدد بسیار کوچک  $1/0.00001$  جایگزین شده است اما [شاخصی است که ضریب اهمیت هر مقوله را در یک پیام با توجه به شکل پاسخگوها مشخص می کند از طرفی با توجه به بردار  $w$ ، مقوله های حاصل از پیام را نیز رتبه بندی می شود (آذر، ۱۳۸۰).

### یافته های پژوهش

در بخش یافته ها به توصیف و تحلیل داده های پژوهشی پرداخته می شود. مراحل کار به این ترتیب است که ابتدا با استفاده از روش آمار توصیفی به بیان فراوانی داده ها پرداخته شده

و سپس مراحل چندگانه روش آنتروپی شانون برای تحلیل محتوای سند مورد استفاده قرار گرفت.

**جدول ۱.** توزیع فراوانی مراحل خلاقیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

شاخص	مجموع فراوانی کل شاخص	خرده شاخص	مجموع هر خرده شاخص
		آمادگی	۲۸
مراحل خلاقیت	۵۳	نهفتگی	۹
		الهام	۴
		تحقق	۲۴

جدول ۱ میزان توجه به مراحل خلاقیت را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود از مجموع ۵۳ واحد ثبت شده، ۲۸ واحد مربوط به مرحله آمادگی، ۹ مورد مربوط به مرحله نهفتگی، ۴ مورد مربوط به مرحله الهام و ۲۴ مورد مربوط به مرحله تحقق است؛ با توجه به تعداد شاخص‌های هر مرحله، مرحله آمادگی با ۲۸ شاخص بیشترین میزان را به خود اختصاص داده و مرحله الهام با ۴ مورد کمترین میزان را دارد. بنابراین می‌توان گفت که میزان توجه به مراحل آمادگی و تحقق بیشتر از دو مرحله دیگر است.

به منظور تحلیل بهتر نتایج داده‌های به دست آمده از جدول ۱ جهت تعیین مقدار بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت آنها با استفاده از روش تحلیل محتوای آنتروپی شانون به داده‌های به‌هم‌نجار شده تبدیل شد. همانطور که در جدول شماره ۳ مشخص شده است؛ بالاترین مقدار بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت در میان ۴ شاخص مراحل خلاقیت، به ترتیب ۰/۲۵۹ و ۰/۲۷۲ است. بیشترین مقدار بار اطلاعاتی مربوط به مرحله تحقق و بیشترین مقدار ضریب اهمیت مربوط به مرحله الهام است.

**جدول ۲.** داده‌های به‌هم‌نجار شده ( $P_i$ )، مقدار بار اطلاعاتی ( $E_j$ ) و ضریب اهمیت ( $W_j$ ) مراحل خلاقیت در سند تحول

بنیادین آموزش و پرورش

شاخص	خرده شاخص	هنجار مجموع هر خرده شاخص	بار اطلاعاتی	ضریب اهمیت
	آمادگی	۰/۵۳۰	۰/۲۴۳	۰/۲۴۲
مراحل خلاقیت	نهفتگی	۰/۱۷۰	۰/۲۱۷	۰/۲۵۰
	الهام	۰/۰۸۰	۰/۱۴۶	۰/۲۷۲
	تحقق	۰/۴۵۰	۰/۲۵۹	۰/۲۳۶

### جدول ۳. توزیع فراوانی شادکامی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

شاخص	فراوانی شاخص	فراوانی خرده شاخص	مجموع هر خرده شاخص	مجموع کل شاخص
هیجان مثبت	۱۰			۱۰
مجدوبیت	۷			۷
علاقه	۱۶			۱۶
معنا و هدف	۵۳	فردی	۱۳	۱۰۹
		گروهی	۲۴	
		ذهنی	۱۹	
عزت نفس	۲۵			۲۵
خوش بینی	۲۰	علمی	۴	۴۲
		معنوی	۱۱	
		مادی	۷	
بهبودپذیری	۲۷	فردی	۱۱	۶۴
		سازمانی	۲۶	
سرزندگی	۱۵	علمی	۵	۳۳
		سلامت	۲	
		ورزش	۳	
		تفریح	۸	
خودتعیین گری	۵۴			۵۴
روابط مثبت	۵۸	مشارکت	۵۹	۲۲۳
		الهی	۵	
		ملی	۲۲	۲۰
		سازمانی		۵
		بین المللی		
		اجتماعی	۴۳	
		خانوادگی	۱۱	
دستاورد	۲۸			۲۸
بهبودبستی	۴۳			۴۳
شکوفایی	۵۳			۵۳
جمع	۴۰۹	مجموع مؤلفه‌ها	۷۰۷	

جدول ۳ میزان توجه به مراحل شادکامی را در سند تحول نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود از مجموع ۷۰۷ واحد ثبت شده بیشتری فراوانی مربوط به شاخص روابط مثبت با ۲۲۳ مورد و کمترین میزان توجه مربوط به شاخص مجذوبیت با ۷ مورد و هیجان مثبت با ۱۰ مورد است.

به منظور تحلیل بهتر نتایج داده‌های به دست آمده از جدول ۴ جهت تعیین مقدار بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت آنها با استفاده از روش تحلیل محتوای آنتروپی شانون به داده‌های به‌هم‌نجار شده تبدیل شد. در جدول شماره ۵، میانگین مقدار بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت در میان ۱۳ شاخص اصلی و ۱۹ شاخص فرعی شادکامی، نشان داده شده است.

همانطور که در جدول مشخص است، میزان بار اطلاعاتی مؤلفه بهبود پذیری فردی با مقدار ۰/۱۹۲، خوش‌بینی علمی با مقدار ۰/۱۶۶ و روابط مثبت در بخش سازمانی (ملی) با مقدار ۰/۱۲۸، به ترتیب بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند و کمترین مقدار نیز مربوط به مؤلفه‌های معنا و هدف در بعد فردی با مقدار ۰/۰۱۷ و روابط مثبت با مقدار ۰/۰۲۰ است.

شایان توجه است که مؤلفه‌های: هیجان مثبت، مجذوبیت، علاقه، عزت نفس، خود تعیین‌گری، عزت نفس، دستاورد، بهزیستی و شکوفایی، با توجه به اینکه به تنهایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، دارای بار اطلاعاتی نیستند؛ اما دارای بیشترین میزان ضریب اهمیت با مقدار ۰/۰۳۴ هستند. همچنین بعد از آنها بیشترین میزان ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه‌های روابط مثبت در بعد الهی و سازمانی هر کدام به مقدار ۰/۰۳۳ است. بر این اساس مؤلفه‌های: هیجان مثبت، مجذوبیت، علاقه، عزت نفس، خود تعیین‌گری، عزت نفس، دستاورد، بهزیستی، شکوفایی، روابط مثبت در بعد الهی و سازمانی از درجه اهمیت بیشتری برخوردار هستند.



**جدول ۵. داده های بهنجار شده (Pi)، بار اطلاعاتی (Ej)، و ضریب اهمیت (Wj) در سند تحول بنیادین**

**آموزش و پرورش**

شاخص	هنجار	ej	wj	خرده شاخص	هنجار هر خرده شاخص	بار اطلاعاتی	ضریب اهمیت
میجان مثبت	۱					۰	۰/۰۳۴
مجدوبیت	۱					۰	۰/۰۳۴
علاقه	۱					۰	۰/۰۳۴
مفاهیم و مهارت‌ها	۰/۴۸۶	۰/۱۰۱	۰/۰۳۰	فردی	۰/۱۱۹	۰/۰۱۷	۰/۰۲۸
				گروهی	۰/۲۲۰	۰/۰۹۶	۰/۰۳۱
				ذهنی	۰/۱۷۴	۰/۰۸۸	۰/۰۳۱
عزت نفس	۱					۰	۰/۰۳۴
توانمندی‌ها	۰/۴۷۶	۰/۱۰۲	۰/۰۳۰	علمی	۰/۰۹۵	۰/۱۶۶	۰/۰۲۸
				معنوی	۰/۲۶۲	۰/۱۰۱	۰/۰۳۰
				مادی	۰/۱۶۷	۰/۰۸۶	۰/۰۳۱
نیروی انسانی	۰/۴۲۲	۰/۱۰۵	۰/۰۳۰	فردی	۰/۱۷۲	۰/۱۹۲	۰/۰۲۷
				سازمانی	۰/۴۰۶	۰/۱۰۶	۰/۰۳۰
سرزندگی	۰/۴۵۵	۰/۱۰۳	۰/۰۳۰	علمی	۰/۱۵۲	۰/۰۸۲	۰/۰۳۱
				سلامت	۰/۰۶۱	۰/۰۴۹	۰/۰۳۲
				ورزش	۰/۰۹۱	۰/۰۶۳	۰/۰۳۲
				تفریح	۰/۲۴۲	۰/۰۹۹	۰/۰۳۰
خودتعیین‌گری	۱					۰	۰/۰۳۴
روابط بین‌المللی	۰/۲۶۰	۰/۱۰۱	۰/۰۳۰	مشارکت	۰/۲۶۵	۰/۰۲۰	۰/۰۲۷
				الهی	۰/۰۲۲	۰/۰۲۵	۰/۰۳۳
				ملی	۰/۰۹۰	۰/۱۲۸	۰/۰۲۹
					۰/۰۹۸	۰/۰۶۶	۰/۰۳۳
				بین‌المللی	۰/۰۲۲	۰/۰۲۵	۰/۰۳۲
				اجتماعی	۰/۱۹۳	۰/۰۹۲	۰/۰۳۱
				خانوادگی	۰/۰۴۹	۰/۰۴۳	۰/۰۳۲
دستاورد	۱					۰	۰/۰۳۴
بهبودی	۱					۰	۰/۰۳۴
شکوفایی	۱					۰	۰/۰۳۴
جمع	۴۰۹			مجموع مؤلفه‌ها	۷۰۷		

## بحث و نتیجه گیری

با توجه به تحلیل محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، پس از تحلیل کل سند، ۵۳ مورد کد گذاری در خصوص مراحل خلاقیت در ۴ مؤلفه اصلی صورت پذیرفت.

آنچه به سازمان‌ها در عصر متحول امروزی در جهت دستیابی به اهداف کمک می‌نماید، بررسی و شناسایی عوامل مؤثر در ایجاد نوآوری است (هویدا، چوپانی، خوران و غلامزاده، ۱۳۹۴) که پژوهش حاضر نیز با هدف بررسی مراحل ایجاد خلاقیت در سند تحول بنیادین به این موضوع پرداخته است. به طور کلی بر اساس یافته‌های پژوهش حاصل از تحلیل محتوای سند تحول بنیادین، می‌توان گفت به مراحل خلاقیت در سند توجه چندانی نشده است. این یافته‌ها همسو با یافته‌های طباطبایی، زهرا و قلتاش، عباس (۱۳۹۴) است که بیان می‌کند، در اکثر فصول سند تحول بنیادین آموزش و پرورش خلاقیت و شاخصه‌های آن در اولویت قرار نگرفته است و محتوای آن با این شاخصه‌ها مطابقت ندارند. همچنین نتایج یک پژوهش نیز (بهرامی، کاظم، ۱۳۹۶) نشان داد که، از تعداد ۲۸ جمله‌ای که در سند در خصوص خلاقیت بحث شده است، تعداد ۱۲ مورد برابر با ۴۲/۸۶ درصد از آن در رابطه با اهداف، تعداد ۶ مورد برابر با ۲۱/۴۳ درصد از آن در رابطه با محتوا و تعداد ۱۰ مورد برابر با ۳۵/۷۱ درصد در رابطه با روش بوده است و بین توجه سند در اهداف، محتوا و روش، تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود و در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به ابعاد اهداف، محتوا و روش به طور همسان توجه شده است. آنچه در این میان به سازمان‌ها در عصر متحول امروزی در جهت دستیابی به اهداف کمک خواهد کرد، بررسی و شناسایی عوامل مؤثر در ایجاد نوآوری است (هویدا، چوپانی، خوران و غلامزاده، ۱۳۹۴). نوآوری در خدمات، فرایند و مدیریت هر سازمانی نیاز به منابع انسانی (دارایی‌های فکری) به عنوان کلید ورودی خلق ارزش و نوآوری دارد (هادی - زاده مقدم، قلیچ‌لی و محبی، ۱۳۹۱). در راستای استقرار نوآوری در نظام‌های آموزشی در دنیا، پژوهش‌ها، مطالعات و طرح‌هایی انجام شده‌اند که بیشتر توجه متخصصان و حتی سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده ولی این پژوهش‌ها بیشتر در رابطه با نوآوری‌ها با دانش روز

است. این مطالعات در جای خود بسیار ارزشمند است، اما کافی نیست. آن چه کمتر مورد توجه قرار گرفته، چگونگی ایجاد طرح‌های نوآورانه در بدنه نظام آموزشی در کشور است (حسینی، ۱۳۸۵). رسیدن به قابلیت‌های نوآوری به صورت تصادفی بوجود نمی‌آید؛ بلکه لازم است که هر سازمان، نوآوری را به عنوان بخشی از اهدافش پیش‌بینی نماید (زاویلاسک و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). لذا انتظار می‌رود که برنامه‌ریزان آموزشی در کشور به این موضوع اهمیت بیشتری نموده و در برنامه‌ریزی‌های آموزشی خصوصاً در اجرای سند تحول بنیادین این مهم را رعایت نمایند.

در خصوص شادکامی نیز با توجه به تحلیل محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و پس از تحلیل کل سند، ۷۰۷ مورد کدگذاری شد، که از بین آنها ۱۳ مؤلفه اصلی و ۱۹ مؤلفه فرعی شناسایی شدند. همانطور که از یافته‌های پژوهش مشخص است؛ میزان بار اطلاعاتی مؤلفه بهبود پذیری فردی، خوش بینی علمی و روابط مثبت در بخش سازمانی (ملی) بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند و کمترین مقدار نیز مربوط به مؤلفه‌های معنا و هدف در بعد فردی و روابط مثبت است. همچنین مؤلفه‌های: هیجان مثبت، مجذوبیت، علاقه، عزت نفس، خود تعیین‌گری، عزت نفس، دستاورد، بهزیستی و شکوفایی، دارای بیشترین میزان ضریب اهمیت هستند. بعد از آنها بیشترین میزان ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه‌های روابط مثبت در بعد الهی و سازمانی است.

شایان توجه است که مؤلفه‌های: هیجان مثبت، مجذوبیت، علاقه، عزت نفس، خود تعیین-گری، عزت نفس، دستاورد، بهزیستی و شکوفایی، با توجه به اینکه به تنهایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، دارای بار اطلاعاتی نیستند اما دارای بیشترین میزان ضریب اهمیت با مقدار ۰/۰۳۴ هستند. همچنین بعد از آنها بیشترین میزان ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه‌های روابط مثبت در بعد الهی و سازمانی هر کدام به مقدار ۰/۰۳۳ است. براساس مؤلفه‌های: هیجان مثبت، مجذوبیت، علاقه، عزت نفس، خودتعیین‌گری، عزت نفس، دستاورد، بهزیستی، شکوفایی،

1. Zawislak et al.

روابط مثبت در بعد الهی و سازمانی از درجه اهمیت بیشتری برخوردار هستند. لذا انتظار می‌رود در بازنگری‌های بعدی سند به مؤلفه‌های دیگر شادکامی نیز پرداخته شود و برنامه‌ریزان آموزشی بر این اساس اقدام نمایند. نتایج این پژوهش با توجه به متغیرهای مورد استفاده در پژوهش قابل بررسی است. نتایج این پژوهش مؤید این است که ساختار معنایی یکسانی در سپهر دستگاه آموزش و پرورش ایران از شادی تثبیت نشده است و معانی متعددی در کشمکش با یکدیگر حیات روزمره دانش‌آموزان را پر کرده است (هاشمی، رضایی و اکبرپوران، ۱۳۹۵). دهقانی، دیالمه و خوش صفت (۱۳۹۷) در پژوهشی اهداف برنامه‌های مدرسه شاد را بر اساس جنبه‌های سه‌گانه شناختی، نگرشی و توانشی معرفی کرده‌اند؛ همسو با این نتایج اقدامات دیگری را هم به عنوان فعالیت‌های ارادی منجر به شادکامی توسط روانشناسان مختلف ذکر شده است، که می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های تربیتی مورد استفاده قرار گیرد؛ که از آن جمله می‌توان به مطالعات فوردایس<sup>۱</sup> اشاره کرد (فوردایس، ۱۹۷۷ و ۱۹۸۳؛ به نقل از براتی، ۱۳۸۸). مطابق آنچه سلیگمن و همکاران بیان داشته‌اند، نخستین برنامه‌ها برای افزایش شادی، در سال ۱۹۷۷ میلادی و توسط فوردایس تدوین شد (سلیگمن، رشید و پارکز، ۲۰۰۶؛ به نقل از براتی، ۱۳۸۸). مطابق نظر کامپتون، برنامه آموزشی فوردایس، یکی از گسترده‌ترین تلاش‌ها برای آموزش شادکامی بود (کامپتون، ۲۰۰۶؛ به نقل از براتی، ۱۳۸۸). فوردایس سال‌ها بر ایجاد شیوه‌ای جهت آموزش مردم برای شادتر شدن معطوف شد و با بازنگری منابع مربوط به بهزیستی روانی و ترکیب آن با دانش مربوط به مشاوره و درمان شناختی-رفتاری، یک بسته آموزشی تدوین کرد که آن را «اصول یا مبانی چهارده‌گانه شادکامی» نامید. این مبانی چهارده‌گانه، عبارت‌اند از:

۱. فعال‌تر باشید؛
۲. زمان بیشتری را صرف اجتماعی شدن کنید؛
۳. در کاری بامعنا به بهره‌وری برسید (محصولی داشته باشید)؛

1. Fordyce

۴. نظم داشته باشید؛
  ۵. نگرانی را کنار بگذارید؛
  ۶. انتظارات و آرزوهای دور و دراز خود را کم کنید؛
  ۷. خوش بینانه فکر کنید؛
  ۸. در زمان حال زندگی کنید؛
  ۹. به بررسی یک شخصیت سالم پردازید (اسوه گیری کنید)؛
  ۱۰. یک شخصیت اجتماعی و خون گرم داشته باشید (یا ایجاد کنید)؛
  ۱۱. خودتان باشید؛
  ۱۲. روابط صمیمانه را ایجاد و تقویت کنید؛ چرا که این روابط منبع دست اول (یا نمره اول) شادکامی هستند؛
  ۱۳. احساسات منفی را حذف (رفع) کنید؛
  ۱۴. برای شادکامی، ارزش قائل شوید (اولویت اول را در زندگی به آن بدهید).
- فوردایس در پژوهش‌های مختلف به بررسی ویژگی‌های افراد شاد پرداخت و بویژه بر عادت‌هایی که افراد یاد شده در کوتاه‌مدت از آن استفاده می‌کنند تا شادمان شوند، معطوف شد (فوردایس، ۱۹۸۱؛ به نقل از براتی، ۱۳۸۸). داک ورت و همکارانش می‌نویسند: «نقش فوردایس در این حوزه، بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که او نشان داد امکان شادمان‌تر کردن مردم وجود دارد» (داک ورت، استین و سلیگمن، ۲۰۰۵؛ به نقل از براتی، ۱۳۸۸).
- لوبومیرسکی و همکاران از یک مداخله مهربانی کردن به دیگران هم برای افزایش شادی یاد کرده‌اند. شفقت و مهربانی، از دیگر عوامل مؤثر در شادکامی است. روان‌شناسان مثبت‌گرا، مهربانی را بیشتر یکی از توانمندی‌های مَنشی در نظر می‌گیرند (پترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴، به نقل از براتی، ۱۳۸۸). همچنین وی نیز همانند سلیگمن از مداخله «نعمت‌شماری» و «سپاس‌گزاری» نیز استفاده نموده است. در روان‌شناسی مثبت‌گرا نیز همین صورت است؛ یعنی بر زندگی خوب به عنوان تجربه‌ها و کارکرد مطلوب و بهینه یا «طلب کمال با توجه به شناخت

پتانسیل‌های حقیقی درونی» توجه می‌شود (یورگنسن و نفستاد، ۲۰۰۴؛ به نقل از براتی، ۱۳۸۸؛ سلیگمن، ۱۳۸۹). یورگنسن و نفستاد به نقل از رایان و دسی می‌نویسند:

"زندگی خوب، بهزیستی روانی است؛ یعنی این زندگی، هنگامی حاصل می‌شود که فرد به گونه‌ای مطلوب و بهینه عمل می‌کند. به این ترتیب، ویژگی زندگی خوب، رشد و کمال از کارکردهای ساده به کارکردهای پیچیده‌تر یا کمال به سوی کارکردهای بهینه و مطلوب است" (براتی، ۱۳۸۸، ۴۰). اریک فرام (۱۹۸۱) معتقد است که برای درک شادکامی واقعی باید میان امیال و نیازهایی که به صورت ذهنی در انسان احساس می‌شوند و خشنودی حاصل از آن که منجر به لذت‌های زودگذر می‌شود و آن دسته از نیازهایی که ریشه در ماهیت وجودی انسان دارد و رسیدن به آنها نمو انسان و فراهم ساختن خوشبختی و شادکامی واقعی را به دنبال دارد، تمایز قائل شد (دسی و رایان، ۲۰۰۰). ریف (۱۹۹۵) مدل خود از بهزیستی روانشناختی را تلاش برای رشد و پیشرفت انسان در جهت رسیدن به تواناییهای بالقوه خود می‌داند. در روانشناسی بهزیستی به عنوان عملکرد مطلوب انسان تعریف می‌شود (نل، ۲۰۱۱). خودمختاری<sup>۱</sup>، رشد شخصی<sup>۲</sup>، تسلط بر محیط<sup>۳</sup>، هدفمندی در زندگی<sup>۴</sup>، داشتن ارتباط مثبت با دیگران<sup>۵</sup> و پذیرش خود<sup>۶</sup> مؤلفه‌های بهزیستی روانشناختی در مدل بهزیستی ریف هستند (ریف، ۱۹۸۹).

وجود محدودیت و کمبود در هر یک مراحل پژوهش می‌تواند مشکلاتی را برای پژوهش و پژوهشگر به وجود آورد، که می‌تواند بر نتایج پژوهش نیز اثرگذار باشد؛ پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنی نیست. به رغم تلاش‌هایی که در جهت رعایت اصول مربوط صورت پذیرفته است؛ اما چون این پژوهش تنها توسط یک پژوهشگر به طور کامل تحلیل محتوا شد، لذا جهت بکارگیری مفاهیم استخراج شده، بایستی احتیاط کرده و پس از انجام پژوهش‌های مشابه، به بومی سازی آن اقدام و سپس اجرایی شود. این پژوهش بر اساس نظریه روان‌شناسی مثبت‌گرا

- 
1. Nell
  2. Autonomy
  3. Personal growth
  4. Environmental mastery
  5. Purpose in life
  6. Positive relation with others
  7. Self- acceptance

انجام شده است، لذا به سایر پژوهشگران استفاده از سایر نظریات در حیطه شادکامی و خلاقیت پیشنهاد می شود. همچنین با توجه به اینکه این پژوهش تنها به بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخته است؛ جهت برنامه ریزی های بهتر آموزشی، استفاده همسو و همزمان از سایر اسناد آموزشی و علمی کشور پیشنهاد می شود.

**سپاسگزاری:** این مقاله مستخرج از رساله دکتری روان شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است؛ پژوهشگران این مقاله بر خود لازم می دارند از زحمات تمام عزیزانی که ما را در اجرای این پژوهش یاری رسانده اند؛ تشکر و قدردانی نمایند.

### منابع

- آذر، عادل. (۱۳۸۰). بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده ها در تحلیل محتوا. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س). ۱۰(۱): ۱-۱۸.
- افشار کهن، زهرا؛ عصاره، علیرضا. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش خلاقیت ۱ به معلمان بر خلاقیت دانش آموزان پایه ی اول ابتدایی استان خراسان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸، فصل نامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، شماره ۲، ۲۹-۵۵.
- براتی سده، فرید. (۱۳۸۸). اثر بخشی مداخلات روانشناسی مثبت گرا جهت افزایش نشاط، خشنودی از زندگی، معناداری زندگی و کاهش افسردگی: تدوین مدلی برای اقدام، پایان- نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- بهرامی، کاظم. (۱۳۹۶). تحلیل محتوای سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در زمینه پرورش تفکر خلاق، اولین همایش ملی علوم اجتماعی، علوم تربیتی، روانشناسی و امنیت اجتماعی، تهران، دانشگاه آل طه - معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان البرز، [https://www.civilica.com/Paper-SPES01-SPES01\\_068.html](https://www.civilica.com/Paper-SPES01-SPES01_068.html)

تافلر، آلون (۱۹۸۰). موج سوم، ترجمه شهین دخت خوارزمی. (۱۳۷۸)، تهران: انتشارات علم، چاپ سوم.

دهقانی، مرضیه؛ دیالمه، نیکو و خوش صفت، سکینه. (۱۳۹۷). تبیین شادکامی و شناسایی اهداف برنامه درسی "مدرسه شاد" بر اساس آموزه های اسلامی، دو فصلنامه علمی-ترویجی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، سال ۶ (۱۰)، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ۱-۲۵.

حسینی، محمد. (۱۳۸۵). الگویی برای اشاعه نوآوری در آموزش و پرورش ایران، نوآوریهای آموزشی، سال ۵، شماره ۱۵، ۱۷۶-۱۵۱.

حسینی، افضل السادات. (۱۳۸۷). یادگیری خلاق کلاس خلاق، چاپ دوم، تهران: انتشارات مدرسه. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (شورای عالی آموزش و پرورش)، از:

<http://www.nlai.ir/Portals/0/Files/pdf/common/> (۱۳۹۶/۷/۱۵)

طباطبایی، زهرا و قلناش، عباس. (۱۳۹۴). بررسی میزان انطباق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با شاخص های خلاقیت، اولین کنفرانس بین المللی علوم انسانی با رویکرد بومی - اسلامی و با تأکید بر پژوهش های نوین.

۹-۱، [www.civilica.com/Paper-ICH01-ICH01\\_028.html](http://www.civilica.com/Paper-ICH01-ICH01_028.html)

فرج اللهی، مهران، موسوی، سید علی محمد، تاجی، پروانه. (۱۳۸۹). شناسایی عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت دانش آموزان مقطع راهنمایی از دیدگاه دبیران، مدیران و کارشناسان آموزش اداره منطقه شش آموزش و پرورش استان تهران. تفکر و کودک، دوره ۱، شماره ۲، ۱۰۰-۸۳.

قاسمی، نظام الدین و قریشیان، مرضیه. (۱۳۸۸). روان شناسی مثبت، رویکرد نوین روان شناسی به طبیعت انسان، تازه های روان درمانی، ۵۲ و ۵۱، ۹۸-۱۱۴.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. از:

<http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmGhanonAsasi.aspx> (۱۳۹۶/۷/۱۵)

مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). شورای عالی انقلاب فرهنگی، از:



http://www.google.com/url?sa=t&rct (۱۳۹۶/۷/۱۵)

هادیزاده مقدم، اکرم، قلیچ لی، بهروز و محبی، پروین. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین تسهیم دانش و نوآوری سازمان‌های خدمات مالی: بانک رفاه کارگران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، سال ۱۷، شماره ۱.

هویدا، رضا، چوپانی، حیدر، خوران، عبدالله و غلامزاده، حجت. (۱۳۹۴). نقش ارتباطات سازمانی اثربخش و اعتماد سازمانی در توسعه و بهبود نوآوری سازمانی مدارس، فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۲، ۱۴۶-۱۱۷.

هاشمی، سیدضیا؛ رضایی، محمد و اکبرپوران، سپیده. (۱۳۹۵). شادی تا از نشاط، شادی در ساختار معنایی حاکم بر نظام آموزشی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره نهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، ۱۸۳-۲۰۴.

- Albertyn, R.M, Kapp, C. A' GroenewaldC. (2012). patterns of a Life Skills program me. *Journal of studiese in the education of adults*.21 (2).33.
- Aspinwall, L. & Staudinger, (2003). *U.A Psychology of Human Strength Fundamental Questions and Future Directions for a Positive Psychology*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Can G, Ozdilli K, Erol O, Unsar S, Tulek Z, Savaser S, et al. (2008). Comparison of the health-promoting lifestyles of nursing and non-nursing students in Istanbul, Turkey. *Nurs Health Sci*; 10(4): 80-273.
- Carr, A. (2004). *Positive Psychology: The science of happiness and human strengths*. New York: Brunner-Routledge.
- Compton, W. C. (2005). *Introduction to positive psychology*. California, Stanford: CT, Thomson/Wadsworth.
- Damasio, A.R. (1994) .*Descartes'error: Emotion, reason, and the human brain*. New York: Grossett/Putnam.
- David, S. A., Boniwell, I., & Ayers, A. C. (2013). *The Oxford handbook of happiness*.Oxford: Oxford University Press.

- Deci, E. L. and Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11(4): 227-268.
- Detels, R. Holland Walter W. (2015). Mcwex Janes and Omex Gilberts. Oxford Textbook of Public Health 3nded, New York: Oxford University.
- Diener, E., & Lucas R. (2002). Explaining differences in societal levels of happiness: Relative standards, need fulfillment, culture, and evaluation theory. *Journal of Happiness Studies: An Interdisciplinary Periodical on Subjective Well-Being*, 1, 41-78.
- Glăveanu, Vlad Petre (2018). Educating which creativity?, *Thinking Skills and Creativity*, 27, 25-32
- Lee RL, Loke AJ. (2005). Health Promoting behaviors and psychosocial well-being of university students in Hong Kong. *J Public Health Nursing*; 22(3):209-20.
- Lee, J., & Graham, A. V. (2001). Students' perception of medical school stress and their evaluation of a wellness elective. *Medical Education*, 35(7), 652-659.
- Luthans, K. W., & Jensen, S. M. (2002). Hope: A New Positive Strength for Human Resource Development. *Human Resource Development Review*, 1(3), 304-322.
- NEL, L. (2011). *The Psychofertological Experiences of Master s Degree Stuentis in Professional Psychology Programms: An Interpretative Phenomenological Analysis*. Thesis in fulfilment of the requirements for the degree. Department Of Psychology Faculty of the Humanities: University of the Free State Bloemfontein. 48- 84.
- Ryff, C. D., & Keys, C. L. (1995). The structure of psychological Well-being revisited. *Journal of Personality and Social Psychology*. 69,719-727.
- Ryff, C. D. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*. 57, 1069-1081.
- Seligman M. (2002). *Authentic happiness: using the new positive psychology to realize your potential for lasting fulfillment*. New York: Free Press.

- Seligman, Martin EP. (2011). flourish: a visionary new understanding of happiness and well-being. *Policy*, 27(3), 60-61.
- Zawislak, P. A., Gamarra, J. T., Alves, A. C., Barbieux, D., & Reichert, F. M. (2014). The different innovation capabilities of the firm: further remarks upon the Brazilian experience. *Journal of Innovation Economics & Management*, (1), 129-150.